این رساله نقشبندیه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی علّم الانسان ما لم یعلم وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد

وآله واصحابه وسلم اما بعد بنده ضعیف خاکپای سالکان طریق

حقیقی فقیر محمد رفیع الدین ابن محمد شمس الدین ابن محمد تاج الدین

نقشبندی القادری مشرباً وطریقة الحنفی مذهباً والقندهاری

الاکبرآبادی مولداً معروض میدارد که بموجب سوال بعض محبّین

راغبین سلوک طریقه نقشبندیه را بقید قلم می آرد تا کسی

ازین طریقه فی الجمله نسبتی داشته باشد بوقت ارشاد یا

التربیت بکار آید و این رساله مشتمل است بر مقدمه یک باب

وخاتمه

وخاتمه

اما مقدمه در بیان یازده کلمات مصطلحات مشایخ این طریقه

علیه وباب در سلوک این خانواده علیه بطور حضرت سید آدم

بنوری قدس سره وخاتمه در بیان بعض اعمال مشایخ این سلسله

علیه امید که این رساله بعون الله مرقوم گشته اگر خطائی بینند معاف

فرموده از دعائی خیر توجه فرمایند ومنی الله التوفیق وعلیه

التکلان مقدمه در بیان یازده کلمات مصطلحات بزرگان

این سلسله علیه نقشبندیه که بنای این طریقه انها است اول

هوش در دم وطریقه این است که تمام انفاس در دخول وخروج

خود با هوش باشند که مبادا بجهت هزار آیند از سر غفلت بر نیاید

که از سر حضور باشد اسم ذات در دخول وخروج ماند

النفس حاضر باشد در وقت نفس اول لفظ الله

تا استغراق در دست قیام دراز کشیدن از ابهامی بر دو پای تا راجع

تصور اوله جید النشته باشد و سایر صوفی رضوان الله تعالی علیهم اجمعین تمام

هوش در دم را پاس انفاس می نامند دوم نظر بر قدم و آن آنست

که سالک را در آمدن و رفتن در شهر و صحرا همه جا نظر بر پشت پا

باشد تا نظر او پراگنده نشود و بجائی که نباید نیفتد زیرا که در اوایل

سلوک دل تابع نظر است و از تشتت او تفرقه بدل راه می یابد

سیوم سفر در وطن و آن آنست که سالک در طبیعت بشری

سفر کند یعنی از صفات بشری بصفات ملکی و از صفات ذمیمه

بصفات حمیده انتقال نماید چهارم خلوت در انجمن یعنی

که محل تفرقه است غفلت بدل راه نیابد بلکه در انجا با مردم

نشیند و در باطن با دل خلوت داشته مشغول باشند پنجم

یاد کرد

یاد کرد وان عبارتست از ذکر بسا بقه بانشد یا قلبی و حاصل ان

طرد غفلت است انتم باز کشت وان الست که ذاکر در ذکر

نفی و اثبات بحبس دم هرگاه که یک عدد و تر تمام کند از راه

بره بینی تنصو لفظ محمد رسول الله دم خود بسر دهد بعد اطمینان

الهی انت مقصودی و رضاک مطلوبی بزبان یا بدل گفته باز گشت کند

نفی باز شروع در نفی و اثبات کند هم وقوف عددی

وان عبارتست از رعایت عدد طاق است در ذکر نفی و اثبات

باید که در یک نفس سه کرت بگوید یا پنج کرت بهر طور رعایت

عدد وتر کند در نفی و اثبات کند تا بیست و یک عدد رساند

در نفی و اثبات صفر تا عدد مقصود یک ویک گذراند در حضرت خواهد از

... گروه الوهر فرموده اند که رعایت عددی در ذکر دل قلبی را ای جمع

خواطر متفرقه است و آنچه در کلام حضرت خواجگان عالیشان

واقع است که فلان بنفس فلان را بوقوف عددی امر و مقصود اصلی

مقصدش ذکر قلبی است با رعایت عدد و توجه مجرد رعایت

عدد در ذکر قلبی است وقوف زمانی و آن محاسبه است از احوال

یعنی اوقات عمر عزیز خود را با مور لاحاصل و مشاهده ضایع نکند

بلکه دائما مشغول باشد و محاسبه اوقات اوقات سابقه روز خود

را میکرده باشد حسنات را بتوفیق او سبحانه در شکر

ادا نماید و سیئات را از ندامت اعمال خود دانسته باستغفار

برد ازد نهم وقوف قلبی و آن عبارت از تصور مصور کلمه [illegible]

لجنید صنوبری شکل است که آن را مجاز دل میگویند قطع نظر از دیگر

تا حواس ظاهره و باطنه متوجه بآن رسانند زیرا که قلب

حاوی است همین منقلب است و دیگر ازین نیست البته توجه بجانبی حید [illegible]

علوا

علوی او یغفلگاه چون صاحب‌دل متوجه باید گردد و نگذارد که خواطر بس
ظاهره و باطنه توقف باو رسانند لاجرم متوجه علوی گردد
حضرت خواجه بزرگ قدس سره در رعایت وقوف قلبی بسیار
اهتمام می‌فرموده‌اند که خلاصه ذکر یعنی حضور دل است و دهم نگاهداشت
و آن عبارت از مراقبه خواطر است یعنی در ذکر نفی و اثبات
در هر چند بار کلمه طیبه را بگوید که خاطر او بغیر نرود حضرت مولانا
سعدالدین قدس سره در معنی این کلمه منقولست که تا یک ساعت
و دو ساعت هر مقدار که میسر آید خاطر خود را نگاهدارد که غیر
بخاطر او نگذرد و سایر شیوخ قدس الله اسرارهم این را مراقبه
می‌گویند یازدهم یادداشت و آن عبارت از دوام آگاهی است
بحق سبحانه جلت شانه بر سبیل ذوق بی‌تکلفی محض یعنی نسبت
یادداشت هیچ که حاجت و احتیاجی تمام سلوک و اشتغال

مقاصد هر سالک است گویا که نسبت حضور (در حضور) مع لوازم در لواحق خود متصل

این هم مقصود است چنانچه هر سالک واصل مخفی نیست و سایر صوفیه [illegible]

این را مفت بهره می نماید باب در بیان سلوک این خانواده

علیه اول لطیفه قلب که محل آن بیک انگشت زیر پستان چپ است

چنین نسبت وز بالا از آنکام چپ باشد از مضغه صنوبری شکل

که دل مجازی است بلکه قلب حقیقی که عبارت است از قوت دراکه

آن است و لطیفه ربانی است تکرار اسم ذات نماید و دم را

تصور در سع جنس محصور از باره بره بینی می کند آنچه باشد و نور

این لطیفه در عالم مثال سرخ است بعده از لطیفه روحی که

بیک انگشت زیر پستان راست است و از لطیفه نفس که بیک

انگشت زیر ناف است و از لطیفه سر که در میان سینه است

و از لطیفه

و از لطیفه خفی که در تحت سینه است و از لطیفه اخفی که فوق دماغ

است تکرار اسم ذات الله بکند در لطیفه قلب کرده خفه نماید و نور

روحی سفید و نور نفس زرد و نور سری سبز و نور خفی سیاه و نور

اخفی سیاه تری باشد بعده نفی و اثبات کسب نماید باید اول که

دم را از زیر ناف حبس نموده حرف لا را از محل لطیفه نفی کشیده

تا باخفی رساند و در اوایل لا معبود و در اواسط لا مقصود

و در انتها لا موجود تصور نماید و حرف الا الله را بر لطیفه روحی

تمام بکند و ضرب الا الله بر دل زند و در اینجا در اوایل

معبودی تویی و در اواسط مقصودی تویی و در انتها موجود

تویی تصور نموده در یک دم سه کرت یا پنج رعایت عدد طاق

نموده تا بیست و یکبار رساند و وقت گذاشتن دم محمد رسول الله

از بره بیانی تصور کند و بعده مناجات الهی انت مقصودی

و در ضمن آن مطلوب بالحقیقه بازگشت نماید و نفی اثبات صنوبری مخصوص

باشد و طریقه آن این است که عدد لا را نگاه کند و عدد انتهای

کبری با رعایت عدد طاق بیست یک است و انتهای عدد با رعایت

عدد مذکوره مقصود دیگر آنکه بعد از زیادتی منظور باشد در کشش

ذکر از زیادتی کند و نه در عدد و توقف در میان نفی و اثبات صغیر

و کبیر فقط همین است که در کبیر ذکر را از جمیع لطایف نفی تا اخفی

می کشد و در صغیر یاد می کشد و این هر دو نفی و اثبات را در اوقات

یازدهم خصوصا در آخر شب بلا ناغه مخصوص باشد تا فواید

بشمار او خاطر محو گردد اثبات مجرد است و طریقه آن آنست

که نقطه الف را با مد و شد از ناف کشیده و حبس دم تا اخفی رساند

در رعایت عدد طاق بتدریج زیاده کند بعده جمیع لطایف

منور [illegible] بعضی نسبت [illegible] را [illegible] نماید بعده

ذکر سلطان

ذکر سلطانی است یعنی از تمام لطایف و از سر هر موی که از قلب

بدن خود ذاکر باشد و گاهی ذکر سلطانی چندان غلبه می کند که هر چه

حواس دریافت نماید مظهر اسم ذات محسوس میگردد و بنده شغل

تنزیه منفی ماند و طریقه انفس آنست که لا اله الا الله هو بخیال بگوید

و مد هو را چنان دراز کشد که از افلاک در گذراند و خود هم

بتصور همراه مد هو برود و بنده یاد داشت اسم تصور اسم الله

چندانی بنماید که در دم گردد و همه اشیا را مظهر اسم الله داند

بنده یاد داشت مسمی یعنی تصور ذات بیچون و بی چگونه

حق سبحانه می شناسد به تنزیه فوق الطاقه که بکم و کیف و جهت

و مکان از دل حقیقی که قوت و قرار آنجاست و خصائص

دنیا و آخرت می آید بنماید و دوام تصور چندان استغراق

بهم رساند که نفوذ بسوای حق و بل در علی نماند بعده چهار ولایت

میفرمایند اول ولایت عامه که بحکم الله ولی الذین آمنوا یخرجهم

من الظلمات الی النور تمام امت مرحومه داخل این ولایت است

و شغل این ولایت تهلیل است سراً و جهراً دویم ولایت خاصه

که ولایت صغری ولایت اولیا هم میگویند شغل این مرتبه اوست

هست یعنی دادن و بردن حق را تصور نماید و بیقینی صرف

بداند که همون ذات بحت است که بحسب این ظهورها در جمیع

مظاهره ظاهر گشته و اینجا لیف وحدت وجود محض از علم

نسبت یاد داشته میشود که قابل عزت شده حمل میکند لهم

او تعالی عن ذلک علواً کبیراً سیوم ولایت

کبری ولایت اخص ۰ ولایت الاعلی ولایت چهارم ملک

متعرسند میلونمند

مشرب میگویند شغل این مرتبه وراء الوراء ثم وراء الوراء است

بعضے در ولایت صغری حمل میکردد در اشیا را یعنی ذات حق دانسته

همه اوست میگفت فی الحقیقه وجود اشیا در نظر او باقی بود

و در ولایت کبری در نور ذات خود ان استغراق پیدا کرده

که وجود اشیا از نظر او بر خاسته است و قایل وراء الوراء

ثم وراء الوراء آنست که حق سبحانه صفاته را منزه از جمیع نعوت

و مبرا از جمیع قیود میدانند و همین است وحدت شهود در اصطلاح

این طائفه علیه چهارم ولایت اخص الخواص که ولایت انبیا

نیز میگویند شغل این مرتبه خلو متخیله ضرور است از حق و غیر

حتی بعضے که در ولایت دوم اشیا را عین حق میدانست

و قائل همه اوست بود و در ولایت سوم حق را وراء

امور را از تمام اشیا دانسته قائل بوجود نشود و باید که از هر دو اعتقاد

ذهن خود را خالی ساخته تخلیه محض بردارد و انبیا علیهم السلام

همین نسبت حضور صرف بود که تجربه و ورود وحی بزبان ایشان ترجمان

عنکبوت نبوده سه مرتبه تفصیل و للانبیاء که از کمالات

نبوت می گویند منحصر باید اول مرتبه علم حضوری ذاتی سالک

که مراد حضور مسمی است البتی درین مرتبه سه خبر باقی است ذاکر و ذکر

و مذکور و این تمام کمالات یعنی ظهور ذات صفات است

دوم مرتبه حضور علم یعنی فقط حضور مسمی بملاحظه وجود سالک

یعنی درین مرتبه دو خبر باقی است ذکر و مذکور و وجود موهوم

سالک از میان برخواسته است و این مرتبه صفات است سیوم

مرتبه حضور در حضور یعنی حضور ذات بذات بی ملاحظه

هستی موهوم سالک در ملاحظه نگرد که صفت سالک است.

پس درین مرتبه فقط یک ذات باقیست که خود ذاکر و خود مذکور است

و این مرتبه ذات که فوق این همه مراتب متصور نیست و حقیقت

نماز و کلمه توحید و قران و کعبه بعد ازین خود بخود بفضل الهی

منکشف خواهد شد و تفصیل این حقایق اربعه حضرت سید ادم

بنوری در نکات الاسرار خوب نوشته آنرا مطالعه نمایند

خاتمه در بیان بعض فواید ضروریه که بعد اتمام سلوک عمل آن

لازم است و آن ورد تسمیه تا آخر عمر است بعد یکبار دادن

زکواة بطریقی که حضرت قدوة المحققین سید ادم بنوری قدس سره

العزیز از جناب خاتون جنت سیدة النساء فاطمة الزهرا رضی

الله عنها حاصل کرده مشهور شده آنرا طریق زکات اینست که اول

مرتبه دارد دو یکبار سوره و الحم با تسمیه یکبار و حم تسمیه الم تا

مفلحون یکبار و الهکم اله واحد تا اخر ایت ۳ بار وایت

الکرسی یکبار و لله ما فی السموات تا اخر سوره بقره یکبار و رکوع

اول سوره ال عمران یکبار و ایت قل اللهم مالک الملک

تا بغیر حساب یکبار و رکوع و ایت ثم انزل علیکم یکبار و رکوع

اخر سوره ال عمران یکبار و ایت ان ربکم الله الذی خلق

السموات والارض تا رکوع یکبار و ایت ان الذین امنو

و عملوا الصالحات تا اخر سوره کهف یکبار سوره یسین تمام

با تسمیه یکبار و رکوع اول والصافات تا یکذبون یکبار

و سوره انا فتحنا تمام یکبار و ۳ بار ایت اخر سوره حشر

از لو انزلنا هذا القران تا اخر هو الله الذی لا اله

الا هو

الله هو یکبار و آمنی بیق الله یکبار و آیت وان یکاد الذین

کفروا تا آخر سوره نون سه بار والضحی با بسمه یکبار و سوره

الم نشرح یکبار و سوره کوثر با بسمه سه بار و سوره قل یا ایها الکافرون

با بسمه یکبار و سوره اذا جاء با بسمه یکبار و سوره تبت یدا

با بسمه یکبار و سوره اخلاص با بسمه سه بار و سوره قل اعوذ

برب الفلق یکبار و سوره قل اعوذ برب الناس یکبار

و درود هزار بار خوانده بسم الله الرحمن الرحیم را یک لکه

و بیت بحرا از مرتبه بخواند خواه در سه روز و یا پنج روز یا

یازده روز از روز تعود طاقت بخو و عدد زکات بسم الله الرحمن الرحیم را

یک لکه و بیت بحرا است اگر تقسیم خواهد در سه روز یا پنج روز

علی الولیه بخواند بهتر است در وقت تلاوت سوره خورد در ایام

ودر سوره انا انزلنا با بسمه یکبار

بی تعیین بخوانند نیز جایز است و آیات و سوره مرقومه در اول ادوار

شروع زکات ضرور است و اگر هر روز تا تمام شدن زکوة بخوانند فضیلت است

و بعد فراغ زکوة دوازده هزار بار بسم الله الرحمن الرحیم

دیگر خوانده ثواب او نیاز حضرت سیدة النساء رضی الله عنها

نماید و تا آخر عمر بسم الله الرحمن الرحیم هفتصد و هشتاد و شش مرتبه

بیوار بسمه شروع یکبار معمول است بعد از هر نماز و یا بعد از نماز

فجر یا ظهر یا عصر بلا ناغه میخوانده باشند و اگر ضرورتی پیش آید

بوقت اذان فجر نیز بخوانند روا است للامر ناغه نکنند

و چون خواهد که زکات بسمه دهد اول حمام یا شکند و غسل

در آب پاک جاری کنند و در خلوتی که گذر عورت نباشد

بنشیند و اشیای جلالی و جمالی نخورد در وقت خواندن

خیال نیت

چنان نیت کند که باذن حضرت ایشان میخوانیم و دل را دل باشد

بعد بسم الله دم کرده شروع کند و بختمه‌ها هم آمده کتب و شرایط تقوی و احتیاط

در طعام و شراب نگه دارد و هر بنده طعام و آب بنده با وضو باشد

و کل غسل از آب دریای جاری کند و از خیال لایعنی و طبع سالم

هر کس از صغایر و کبایر معاصی توبه و احوال نهایت سعی نماید

و هر قدر که تقوی خواهد کرد منفعت خواهد بخشید دیگر ختم خواجگان

نقشبندیه نیز هزار در دو گر ۲ بار بختمه بلا ناغه میخوانده باشند

که فواید بسیار و برکات از ان کار حاصل خواهد گشت و طریق تعیم

ختم موصوف این است که دو رکعت نماز نفل بگذارد و در هر رکعت

سوره فاتحه اخلاص هفت بار خوانده بنام خواجگان نقشبندیه

که مخصوص اسم اند اول خواجه عبد الخالق غجدوانی دوم خواجه

یوسف همدانی سیوم خواجه ابو الحسن خرقانی چهارم خواجه

طیفور شامی پنجم خواجه بابای سماسی ششم خواجه امیر کلال هفتم

خواجه بهاء الدین نقشبند قدس الله اسرارهم العزیز بخشد و ختم را چنین

کنند اول سوره فاتحه هفت بار و درود صد بار و یا قاضی الحاجات

هفتصد بار و سوره اخلاص یکهزار بار و باز سوره فاتحه هفت بار

و درود صد بار و یا قاضی الحاجات و یا دافع البلیات یکصد بار

ختم تمام کنند فاتحه بنام هفت خواجگان موصوف خوانده استمداد

طلبند برای قضای حاجات و دفع بلیات دعا نمایند ان شاء الله تعالی

همه مقاصد دینی و دنیوی بفضل بزرگان میسر خواهند شد و اگر نتوانند

دیگر نیز بهنگام فاتحه حمد الله تعالی بکنند بسیار نافع است و ختم خواجگان

صلی بموجب عدد طاق باشد و ختم کننده بر عدد ... و معمول

در ختم نقشبندیه این درود است که اللهم صل علی سیدنا محمد

عبدک

عبدک و حبیبک و نبیک و رسولک النبی الامی و علی آله و اصحابه

و بعوه و بارک و سلم و دیگر هر روز پانصد و سحر به بسم الله الرحمن الرحیم

خوانده بحساب بسیار آدم بنوری بخشد فواید بسیار خواهد بخشید

و همین است ختم حضرت سید موصوف رحمة الله علیه صح و دوگانه

از قریب رسول الله صلی الله علیه و سلم نیز بر نیت جمعه می خوانده باشند

ان داده صح در دو احب این دوگانه روح نبوی و تمام

اصحاب و اولیای بزرگان خواهد گشت و کشف ظاهری

و باطنی نیز محصل خواهد گشت و طریقه آنکس این است که او در جمعه

روزه نفل بدارد و افطار نیز بر نمک و بعد از نماز عشا

وقت صبح غسل کند و لباس پاک بپوشد و خوشبو بمالد و

بخور بسیار دود در خانه با بغیره که خلوت دار باشند دوگانه

روز بیست شروع کند با نیت طور هفت هزار نوبت ان اصلی لیهم

در رکعتین ... صلوات الابرار محمد متوجها الی جهة الکعبة الشریفة

الله اکبر و بعد فاتحه در رکعت اول لا اله الا الله یکهزار بار

بخواند و در رکعت دویم بعد فاتحه محمد رسول الله هزار بار

و بعد از سلام فاتحه بجناب رسالت پناه خواند ثواب

روزه و دو گانه عرض نماید و سر بسجده نهاده و این کلمات

بگفته بگفته بخسپید گرفتم روضه محمد رسول الله صلی الله علیه

علیه وسلم نگذارم تا نکند حاجت مرا داد و آنچه در خواب

بیند یاد دارد و این فقیر که در اول دفعه این دو گانه

را خوانده ام واقعه عجایب مشاهده نمودم چه در خواب دیدم

...

که در صحرای عظیم تنها ام و شخص هولناک و دراز قد و سبز رنگ

قصد من کرده است و من لرزان و حیران ام ناگاه فوجی بزرگ

سواران بسرعت دوان دوان آمد و از ضرب شمشیرها و چوبها

آن شخص هولناک را پاره پاره کردند پرسیدم که این فوج کیست

گفتند که فوج خاص آنحضرت صلی الله علیه و سلم است و آنحضرت علیه

السلام نیز می آیند چون این سخن شنیدم بسیار خوشحال گشتم

بر کناره رو بروی عسکر مبارک ایستادم فوج فوج

از اقسام بزرگان از آن گذشتند ناگاه سواری مبارک حضرت

صلی الله علیه و سلم ظاهر گشت و آنحضرت بر تخت نشسته بودند

و مردمان از اطراف آن تخت را گرفته می بردند

تخت مبارک نزدیک من رسید آداب بجا آوردم و قدم

بسیار کردم آنحضرت نگاه شفقت و مرحمت بحال این کمترین فرمود

به شخصی ارشاد فرمودند که این را نزد عبد الخالق غجدوانی ببر

و باز تخت مبارک روان شد و من رخصت شده همراه آن شخص

بطرف عبد الخالق غجدوانی روانه شدم چون پاره راه قطع

نمودم بباغی رسیدم که اوصاف آن از حیطه خارج از حیطهٔ

تحریر و تقریر است و در میان آن باغ چبوتره است بسیار مطبوع

و بر آن چبوتره حضرت عبد الخالق غجدوانی قدس سره نشسته

بودند و گرداگرد ایشان چندین حلقه بزرگانی مراقب کرده اند

و صورت حضرت خواجه عبد الخالق قدس سره العزیز خوب

یاد دارم که سرخ رنگ و ریش سفید و میانه قد و بر چهره

و در ملبوس سفید از سبب نور انبیت با الحق بمثل آفتاب

روشن

روشن بنظر می آمدند شخصی همراه این مرا نزدیک حضرت موصوف برده گفت

که این کس را جناب سرور عالمیان علیه الصلوة والسلام نزد شما

فرستاده اند حضرت عبدالخالق غجدوانی متوجه گشته بابن فقیر بیشتر

طلبیدند چون فقیر در میان جمع بزرگان مراقبی متصل حضرت عبدالخالق

رسیدم باشتیاق تمام سر بر قدم نهادم حضرت عبدالخالق غجدوانی

سرمی از دست مبارک بر داشته بار نقوش مرا سرفراز فرمودند

گوان

و خبر کردم از [illegible] فرمودند که رخصت اظهار آن نیست چون بعد از

فرمودند

بیداری [illegible] این واقعه بعرض مرشد خود رسانیدم که ترا دانست سلسله

طریقه نقشبندیه بر [illegible] خواهد رسید زیراکه بموجب حکم جناب رسالت پناه

صلی الله علیه وسلم خدمت حضرت عبدالخالق غجدوانی تو را [illegible]

نقشبندیه اثر و بسیار متوجه کنند بعد ازین بشارت بسیار با طفیل این خواجگان

رویت نبوی ۳۳ مرتبه بیست که ارقام ان طولانی دارد در ادای شکر

و تتمیم این محل هیچی کافیست پس بهتر خود زیرکان را این سبق آ[illegible] بیست

و بلا بر تو
بانک دو گردم اگر در ده پس بیست بعد از هر نماز استغفار را بیست

بسم الله الرحمن الرحیم یک بار بر پیشانی باشاره انگشت مسبحه دست

راست نوشته هست و یکمرتبه بخوانند الکافی سوره فاتحه بعد از نماز

فجر و ظهر و عصر بیست بیست مرتبه و بعد از نماز مغرب تا نه ده بار درود

و بعد از نماز عشاء [illegible] مرتبه بخوانند الکافی فاتحه با بسمله بوقت

شب جمعه ده بار در هر اول و آخر با [illegible] مرتبه مراد [illegible] خواهد

بشمار [illegible] خواهند گشت و بعد از هر نماز لا حول و لا قوة الا بالله

صد بار

صد بار و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یکبار و ظیفه دارد

و بعد نماز عشا صد و سه مرتبه درود اول و اخر سبحان الله والحمد لله و لا اله

الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم صد بار خوانده

برای مقاصد خود فاتحه خوانده باشد برکات بسیار نازل خواهد شد و کتب

دیگر اشغال و اعمال بسیار است لاکن اکثر اشغال این رساله حالا

همین قدر بس است آخر سخن خلاصه کمالات سلوک اینست که در متابعت شرع

شریف بجان و دل کوشیده در راه الهی بتنزیه تحقیق بتمام تنزیه

مخصوص مشغول گردد حق تعالی ما را و جمیع امت حضرت محمد مصطفی صلی الله

علیه و سلم را نصیب گرداند بحرمت النبی و آله الامجاد بحمد فقیر مولف

غلام محمد رفیع الدین ابن محمد شمس الدین ام گرفتم این ما تقدم را از عنوان

سالکان طریق الله حضرت خواجه رحمت الله نایب رسول الله

تمت

وایشان از حضرت سید اشرف مکی وایشان از شیخ محمد طاهر وایشان
از شیخ شاه محمد وایشان از شیخ شرف الدین مقبلی وایشان از شیخ
سید آدم بنوری وایشان از شیخ مجدد الف ثانی ~~وایشان از شیخ~~ وایشان از شیخ
احمد سرهندی وایشان از شیخ خواجه باقی بالله وایشان از شیخ
محمد امکنکی وایشان از شیخ خواجه درویش محمد وایشان از شیخ
خواجه محمد زاهد وایشان از خواجه عبید الله احرار وایشان از شیخ
خواجه یعقوب چرخی وایشان از شیخ قطب خواجه بهاء الدین
نقشبند قدس سره العزیز وایشان از شیخ خواجه امیر کلال وایشان
از شیخ بابا سماسی وایشان از شیخ خواجه علی رامیتنی وایشان
از شیخ خواجه محمود انجیر فغنوی وایشان از شیخ خواجه محمد عارف

دیگر وایشان از شیخ عبد الخالق غجدوانی وایشان از خواجه یوسف
همدانی رحمه الله وایشان از شیخ ابو علی فارمدی وایشان از شیخ
ابو الحسن خرقانی وایشان از شیخ خواجه بایزید بسطامی وایشان
از شیخ المشایخ حضرت امام جعفر صادق رضی الله تعالی عنه وایشان
از شیخ قاسم بن محمد رضی الله تعالی عنه وایشان از شیخ سلمان
فارسی رضی الله تعالی عنه وایشان از امیر المؤمنین ابی بکر
الصدیق رضی الله تعالی عنه وایشان از سید المرسلین محمد رسول الله
صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم وایشان از جبرئیل امین علیه السلام
وایشان از حضرت رب العالمین جل شانه و نیز حضرت
امام جعفر صادق گرفته اند و طریقه را از پدر بزرگوار خود امام
محمد باقر رضی الله تعالی عنه وایشان از پدر بزرگوار خود حضرت امام

زین العابدین رضی الله تعالی عنه وانیشان از پدر بزرگوار خود امام

شهید یعنی حسین ابن علی رضی الله تعالی عنهما وانیشان از پدر

بزرگوار خود حضرت امیر المومنین حضرت مرتضی علی رضی الله تعالی عنه

وانیشان از حضرت سید المرسلین محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم

وانیشان از حضرت جبرئیل امین علیه السلام وانیشان از حضرت

رب العالمین جل جلاله وعم نواله فراغت یافت مولف این رساله

وقت اوزهر شنبه بتاریخ بیست یکم ماه ربیع الاول سنه

یکهزار یکصد و نود و هشت هجری مقدس در شهر مبارک سورت

محلا متصل روضه منوره حضرت خواجه جمال الدین المعروف دیوانه

قدس سره العزیز ترا باید که مولف عازم حرمین الشریفین بود

زادهما الله شرفا وکرامته امین وصلی الله علی خیر خلقه محمد واله

اجمعین

واصحابه اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین آمین آمین یا رب العالمین

رساله حضرات رفاعیه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعین بعده

میگوید فقیر غلام رفاعی عرف محمد رفیع الدین ابن محمد شمس الدین

نقشبندی الرفاعی اصلح الله حالهما که گرفتم اجازت طریقه علیه

رفاعیه جمیع اصوله و فروعه انچه که محتاج کرده شده در آن طریقه

مثل گرم نمودن آتش خوردن او و زدن گرزها و دفع کردن زهر مار

و هرچه که جایز است در طریقه رفاعیه و در خواندن حرز والسیم

یا رحیم کل صریخ و مکروب و غیاثه و معاذه یا رحیم البس بر حرز

اول روز جمعه غسل کرده پاک کنی بار جهار گو وقت طلوع

فجر درنت ادیتے لوز قمر هفت روز بخوان هفت هزار بار اسم یا رحیم

مذکور را د تمام کن عدد جهل و نه هزار در ده روز یا زیاده کن

بران د بینی از شروع کردن در را تب توبه کن از جمیع

گناهان خویش نزد پروردگار راست و متوجه شو از دل بجای تعالی

خود نبوده وسیله بگیر از جناب نبی الله صلی الله علیه وسلم

بخواند جزای الله عنا محمد ا بما هو اهله صد بار یا زیاده کن

ان با تصور شکل آنحضرت صلی الله علیه وسلم در دل کن

ان را در میان ختم جهان تو نبوده تمام کن صلوات زیاده

توسل کن با ان بسوی نبی الله صلی الله علیه وسلم برای حصول مراد تمام کن

در در نعت برای حصول محبت و ثبات بسطالبه نبوده پس

دعا کن

دعا کن بتضرع و تذلل اثر این را حق مزاج کسی ظاهر کند

دوم اسم چنانکه ذکر کردیم اثر این بعد ازین اسم معبود

مذکور و حد محدود بخوان این اسم را بعد رسید و بهمه تا روز

بعد صباح همین بعده مراقبه کن الله تعالی را در مجلس تو و ملاحظه

کن که معنی مقدس بصور در خیال تو و حفظ کن اثر را در دل تو با حضور

بغیر کیف و بلا مثال و متوجه شو تجمیع قوی و مدارک خود بعده

زیاده کن بر وسع خاطر داشتن او مراد مت بس بزرگ دان

بغیر انقطاع اگرچه طول کشد حصول مقصد تا که بحر شغل از تو

کلفت و حاجز شود آن شغل از تو بلا کلفت و مشقت تا که

من بعد کنی امیغی را مع مقدم بوارق و انوار بعده

تا آنچه باز ماندی از دیدن انوار کن و این مراقبه را در وقت معین

و تمیز کی بکنی و هر وقت که خواهی اندک اندک کن و زیاده مکن تا ملول
نشوی تا مستغرق نشوی تمام اوقات را و فنا نشوی در بیان از حب
خود حتی از ما سوی الله تا برسی به مکانی کلی وصالی کنی اوقات
خود مگر در خبری که ضرورت است ترا از آن و نگهدار خواندن قرآن
شریف را اگرچه بیشتر باشد و نگهدار خواندن درود بر نبی صلعم
و توسل گرفتی بآن نشوی حق تعالی زیراکه سیر سلسلهٔ عالم حال
عزت اهل بیت دان مثنوی و نگهدار خواندن خیر از کلمات
طیبات با تصور معنی آن ها و جهد کن در طهارت از علایق
دنیا نشوی و صورت ظاهر او با طعام دفراتوش مکن ما را از دعای
تو نیکی اجازت دادم ترا بدین و دست تو دست ماست
چنانکه

اجازت

چنانکه اجازت داد مارا الشیخ فی قدوتی خواجه احمد الله نایب

رسول الله صلی الله علیه وسلم ابن خواجه عالم قدس الله سرهما

واو از سید علوی بردم واو السید عبدالله بن احمد بردم مشایخی

نیز برادر خود سید محمد بن عبدالله بردم واو چنانکه اجازت داد

او را سید محمد ابن عبد الحی واو از عبد الحی واو از سید رجب

الرفاعی واو از سید شعبان واو از سید محمد واو از سید صالح واو

از سید عبد الرحمان واو از سید عبدالله واو از سید [illegible] واو

از السید حسین واو از سید رجب واو از سید محمد واو از

سید القطب احمد الکبیر الرفاعی قدس سره العزیز [illegible]

واو از شیخ علی القاری واو از فضل بن کامخ واو از [illegible]

۱۶۶

ابو عبد الرحمن واواز شیخ علی بازیادی وازشیخ جملی العجمی

واواز شیخ ابی بکر الشبلی واواز سید الطائفه جنید البغدادی

واواز سری سقطی واواز شیخ معروف کرخی واواز شیخ

داود الطائی واز شیخ حبیب العجمی واز شیخ حسن البصری

واواز اسد الله الغالب سیدنا علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه

انتساب و او از سید المرسلین محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم واز

جبرئیل امین واواز رب العالمین اصلح الله الشیاطین والعمل

این راتب حضرت سید احمد کبیر الرفاعی قدس سره لا اله الا الله

وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر

ده بار لا اله الا الله صد بار الله الله پنجاه بار لا اله الا الله

محمد رسول

محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم ۳ بار اللهم صل وسلم وبارک

علی سیدنا محمد عبدک ورسولک النبی الامی وعلی اله واصحبه وسلم

عدد ما یکون وعدد ما یکون وعدد ما هو کائن فی علم الله ۳ بار

اللهم صل علی سیدنا محمد وعلی ال سیدنا محمد اجرنا من النار

۳ بار مولانا مولانا یا سامع الدعا انا بحرمت محمد لنا لقطع

رجانا ۳ بار مولانا یا سامع الدعا بجاه المشفع

تقبل دعانا بجا الشفیع ساکن البقیع من قدره رفیع تقبل

دعانا ۳ بار صلی الله علیه وسلم ربنا علی النور المبین محمد

المصطفی سید المرسلین ۳ بار اعنی اعنی یا رب العالمین ۳ بار

یا برکة الصالحین والدنیا سید المرسلین ۳ بار ارحم احبابنا

مولانا وارزقنا حسن الیقین ۳ بار اثر صبرنا یا محب

بالتوبة واغفر ذنبي ۳ بار صلی الله علی محمد یارب صل علیه وسلم

ده بار بسم الله الرحمن الرحیم بعد خواندن این دعا بالدولت شغول برادر جمع

بخوانند فاتحه برای سعادات حضرات رفاعیه واین خبر است که یافته

شده است در خزانه شیخ شرف الدین بن طالب بن السمیع الهاشمی

نجل السید احمد کبیر الرفاعی میگوید که در این دعا امور دنیا ودین

واخرت مستجاب میشوند بر صحت اعتقاد ویقینی باعتراف از نفس

دنیا واو انکار داوو سر الله است که امانت نهاده منت اثر

السماء خود اسمی الهی که مطلع نمی شوند جز ان السماء مگر خواص بندگان

او ونه مطلع کرده بم ترا ران مگر برای دوستی تو پیش دعا کن او را او

دعا کن از ان اسماء قبول کرده شود برای تو ان شاء الله تعالی

لاکن مقصود تو از دعا باید محبت الله ورضای او باشد زیرا که

دنیا قدر نیست

دنیا قوت زیست مر اراوان انریت بسم الله الرحمن الرحیم یا الله

یا رحمن یا رحیم الم الله لا اله الا هو الحی القیوم هو الله

و اسالک بسر الذات بذات السر هو انت انت هو

اسالک و اقسم علیک بحق هذا الاسم الذی اوحیت

به اسمک الاعظم و هو اسمک الاعظم الاکبر یا الله یا جبار

یا ه ان صل الله علی محمد و علی آل محمد و ادخلنا برحمتک

فی عبادک الصالحین و حشرنا مع المفلحین برحمتک یا ارحم

الراحمین امین بعده گفت وقتی که دعا کرد از این دعا بس

نیک کن که جان خود را بالله تعالی و خواندن [illegible] خود را از خبر

که نخواهد پس این امانت و دلیل نزد لیک و در دیدن [illegible]

و تو الله است دیر قرار که تعظیم کن تصدق خود بر کسی و [illegible] باید

شدیت از خود عارف باللہ این دعا اللهم انی اسالک بسر الذات

وبذات السر احتجبت بنور الله وبنور عرش الله وبکل اسم

الله من عدوی وعدو الله ومن شر کل خلق الله مائة الف

مرة لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ختمت علی نفسی بخاتم

الله القدوس السمیع الذی ختم اقطار السموات والارض حسبنا

الله ونعم الوکیل وصلی الله علی سیدنا محمد وعلی اله وصحبه وسلم

اللهم انی اسالک بکل اسم هو لک سمیت به نفسک

او علمته احدا من خلقک او انزلته فی کتابک او استا

ثرت به فی علم الغیب عندک ان تجعل القران لنا قائدا

وهادیا ولذنوبنا وعیوبنا ماحیا ولقلوبنا ربیعا ولسماعنا

شفیعا ولوجوهنا نضرة ونورا ولعیوبنا سترا اللهم

اطلق

اطلق السنتنا واجزل به ثوابنا واحسن به حسابنا واجعلنا نتوكل

به والذي يرضيك عنا اللهم اجعله لغمومنا وهمومنا شفاء و

لمحو الخطايا فضاء او في القيامة قرة عين وبيننا ابرحمتك يا ارحم

الراحمين وله ايضا اللهم اطلق السنتنا بذكرك وطهر قلوبنا

عما سواك وروح ارواحنا بنسيم قربك واملا اسرارنا

بمحبتك واطهر ظواهرنا بخشية خيرة العباد والف انفسنا لعلمك

واجعل صدورنا بتعظمك وخير حلينا الى جنابك حسن اسرارنا

معك واجعلنا ممن يأخذ ما صفا ويدع الكدر ويعرف قدر

العافية ويتنعم عليها ويرضى كفيلا لتكون له وفقنا لتعظيم

عظمتك وارزقنا لذة النظر الى وجهك الكريم تباركت ربنا وتعاليت

يا ذا الجلال والاكرام الا اله الا انت وله ايضا بسم الله الرحمن الرحيم

تحصنت بخفي لطف الله وبلطيف صنع الله وبجميل ستر الله وبعظيم ذكر الله

وبعزة سلطان الله دخلنا في حرز الله وفي كنف الله واستجرت

بالله وبرسول الله اللهم من شر اعداء الله يا من يحول بين المرء وقلبه

حل بيننا وبين ما لا طاقة لي يا الله يا الله يا الله اللهم اكشف

عن قلبي حجاب الغفلة واستعملني في ايام المهلة واهدني

اليك طريقا سهلة وخذ بي مني بجذبي عني واسالك اللهم

بالقدرة اللاهوتية وبالعزة الجبروتية وبالعظمة الالـ

[ربا]نية وبالذات القدسية تكشف عني حجاب الغفلة برحمتك يا ارحم

الراحمين وصلى الله على سيدنا محمد وعلى اله واصحابه وسلم [illegible] قصيدة

خلعت نسوتي محي علا ومقامي وعلت وعلت ابي اقدامها اقوام

وسلكت اوعار الطريق بهمتي من عظم باسم قوي تزودت خزاين سماء

الخيار

محتاج ربه السمیع احمد شیخ المشایخ قدوة الفقراء در نفی بس بهم الافاق

شفیع والمشائخ محمد حمزه طوراً ی دانا الرفاعی المسیح ابوالصفا وکل

من فی الکون تحت لوائی وحبائی وحیوتی جدی خاتم الرسل

العلی التقی فوادی نشر بتبه بردائی وانا علی انشاط باز ابا نسیب

واعیدی عزای من انشهائیهم الصلوة والسلام علی النبی واله

والصحب نعم السادات النجبائی در طریقه رفاعیه وحسینیه

جهر اول از دل لفظ لا اله کشد تا کتف ضرب کند والا الله از راه

راست بر دل ضرب کند بعده لفظ الله از دل کشیده تا کتف دلکت

راست ... ضرب الله بر دل زند بعده هیچ کشش هو تصور

... بسم الله الرحمن الرحیم ... دایم وحاکم دایم

... یا دایم الله دایم یا دایم حی جهان ...

ادر نسخه بلا نامه برای حال حد و جد دیگر شغل از فاعده انت المولی
انت الحق لیس الهادی الا هو توقت لطف نب موافق اداب تعیز
دیگر دیگر در از فاعه بسم الله الرحمن الرحیم حجز لنفعل للمسلمین
رمی کل ذات سم عن حیتہ وعن عقرب و شیع نار رحمی خوجب
یتعین منک یا رسول الله شافعا عند الله شفیعا الله
یا سعد حجی المدد یا منبر دا نقلاد المدد یا محمد محمد غوث نور اثر
یا حضرت غوث القطب
المدد یا شیخ المدد الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لاهم
یحزنون دو دوگانه حضرات قطب الاقطاب غوث الطالبین سلطان
العارفین سلطان السید احمد کبیر معشوق الله الحسینی الجیلانی الرفاعی قوس سره
نفعنا الشیخ العارف بالله قطب المدینه عبد الله المطری رضی الله تعالی عنه
خوانده می شود در کتاب حرز العارفین نفعنا نسخه که باشد

ادرا

او را حاجتی بخواهد و دو رکعت نماز نفل و نیت بگزارد بنیاز حضرت

سلطان سید احمد کبیر معشوق الله الحسینی و بخواند در رکعت اول

بعد فاتحه سوره اخلاص سه بار و بعد تحیات و سلام دهد و بنشیند

و بخواند [؟] درود بر حضرت نبی صلعم سه بار مجوده[؟] [illegible] برود ۳ قدم

طرف بطائح نزدیک بلده واسط و بغداد از برای آنکه روضه مبارک

در بطائح است و بگوید در هر قدم السلام علیک یا سلطان العارفین

سلطان السید احمد کبیر معشوق الله الحسینی الرفاعی الذی لطاعته للوع[؟]

الحیات والسباع مخمد النار و سم الافاعی رضی الله تعالی عنه [illegible]

و اعتقاد کند در دل خود که روح سلطان العارفین حاضر و ناظر است

پس سلام کند [illegible] ۳ قدم برود [illegible] [illegible] گردانیده است

برای دعا به سلطان زمان عرض کند حاجت [illegible] بگوید [illegible]

نامهای حضرت سلطان العارفین رضی الله تعالی عنه بسم الله الرحمن الرحیم

الهی اقض حاجتی بحرمت محبوبک الذی شرفته بتشریف

عشرین خطابة من حضرت کن من الله الخطاب کل وهی یا ابرا

الهی بحرمت محبوبک الذی یا غوث الاعظم سید احمد کبیر رفاعی

ویا تاج الاصلین سلطان سید احمد کبیر ویا محبت الله سلطان

ویا نور الهدی سلطان سید احمد کبیر ویا مالک مفاتیح الربانی جمیعا

سلطان سید احمد کبیر ویا کاسا الهی راحتی جمیعا سلطان سید احمد

کبیر ویا حی لبهان کا نشر گاه حضر یا سلطان سید احمد کبیر ویا مرد خ

فی کل حضرت سلطان سید احمد کبیر ویا امام الاولیاء سلطان سید احمد

کبیر ویا شیخ السموات والارضین سلطان سید احمد کبیر ویا ذا المکان

شفاعت

نفحات الركابية سلطان السيد احمد كبير ويا زين البلبلات اللايقة

العلوية الذي هي سلطان السيد احمد كبير ويا فخر حرمي سلطان السيد احمد

كبير ويا نور جلال وجهي سلطان السيد احمد كبير ويا نور وجهي سلطان

السيد احمد كبير ويا الفارس الهجان في كل معرك سلطان السيد احمد كبير

ويا نجم الموصوف ما بين شجعان سلطان السيد احمد كبير [illegible]

سلطان السيد احمد كبير ويا نور كبير بابي سلطان السيد احمد كبير ويا

عيني سلطان السيد احمد كبير ويا شيخ حي لا اله شيخ سلطان السيد

احمد كبير ويا شيخ الارواح والملكوت سلطان السيد احمد كبير ويا

قطب الاقطاب سلطان السيد احمد كبير ويا بحر العزيز سلطان السيد احمد كبير

ويا سيف المنصور سلطان السيد احمد كبير ويا [illegible] سلطان السيد احمد كبير

ويا حامي الاقطاب في كل وقعة سلطان السيد احمد كبير ويا حامي

دیا معشوق

المحبیا ونجی المعشوق من کل الشرة سلطان السید احمد کبیر ویا معشوق

سلطان احمد ادام الله علینا

الاعظم سلطان السید احمد کبیر ویا ابن السید علی ابن ابی طالب

آفندی صاحبی بحرمت سلطان السید احمد کبیر الحسینی الحسینی رضی الله تعالی عنه

ترتیب ختم حضرات رفاعیات عالیات قدس الله تعالی اسرارهم

بدین طریق است درود صلوة یکبار سوره فاتحه شریف یکبار سوره الم نشرح

ششصد و هشتاد بار با تسمیه و سوره اخلاص ششصد و هشتاد بار و سوره

الفلق یکبار و سوره الناس یکبار بعد درود شریف بنیت صلوات

منجینا صد و یکبار ختم شریف بهر نیتی که مراد که خواهد بخوانند بعد از آن

بحضرات دعا کند نصیب برحق [illegible] پس با تا ختم سید شریف

کما ینبغی تعبد فاتحه برای روح پر فتوح حضرت سرور کاینات خلاصه

موجودات رسالت پناه صلی الله علیه وسلم و برای روح سلطان السید

احمد کبیر

احمد کبیر دا عمر الرفاعی قدس الله سره و بروح حضرت السید علی دا عمر الرفاعی

صاحب الشباک و بروح حضرت السید صالح الافندی الرفاعی و بروح حضرت

السید محمد الرفاعی و بروح حضرت السید عبد الرحیم الرفاعی و بروح حضرت

السید یوسف الرفاعی نفعنا الله ببرکاتهم و اسرارهم مجمع الی تخشیش

کند و شرط خواندن ختم بمجلس یا هفت کس و یا نه کس یا یازده کس

صلی باشند اجازت این ختم شریف فقیر جوبف از محمد قطب الدین

ابن محمد انبیا عارف قطب خان ساکن قصبه شاه بهار سیده و پایان

از شاه عنایت الله شاه و بانیان از شاه احمد الله گوری

از ابن السید یوسف صاحب رحمة الله علیه در حضرت السید احمد کبیر

الرفاعی قدس الله سره العزیز از اولاد بزرگوار حضرت

امام موسی کاظم رضی الله تعالی عنه است و نسبت خرقهٔ وی به

پنج واسطه به حضرت شبلی می رسد که ام عبیده بعد از نماز

و در نفحات الانس حضرت مولوی جامی قدس سره السامی آورده‌اند

صاحب حالات عالیه است و خرق عادات بسیار از وی

ظاهر شده آند و اصحاب او بر دو قسم اند جمعی آنند که داخل آتش

از آنها بعضی در آتش بازی میکنند با یاران این طریقه شیخ

واصحاب جنید او نیست و گفته‌اند که وی را با کمال اشتغال

بعبادت شعار لطیف بعضی است ع اذا جن لیلی هام قلبی

بذکرکم انوح کما ناح الحمام المطوق وفوقی سحاب یمطر

الهم والاسی وتحتی بحار بالهوی تتدفق سلوا ام عمرو کیف بات

اسیرها تفک الاساری دونه و هو موثق فلا هو مقتول ففی

القتل

القتل راحته و للاهو حمون علیه فصلی و نجز نصیحة الکارین

ابیات را از قوال شنیده است و بر آن رفته از دنیا و توفی

رضی الله تعالی عنه یوم الخمیس الثانی والعشرین من جمادی الاول

سنه ثمان و سبعین و خمس مائه ذکر حضرت شیخ الاسلام

قطب الاقطاب تاج المشایخ مخدوم حاجی سیاه بن سید سعید الدین اعلی

قدس سره وی از اولاد امجاد سید احمد کبیر رفاعی قدس الله سره العزیز است

و حمید یادداری او شیخ فرید گنج شکر قدس سره العزیز نسبت ارادت

حرمین شریفین مشرف گشته بر بلاد هندوستان رسیده خبر در صحبت

سلطان المشایخ شیخ نظام الدین بدایونی تا مدت [illegible] در دهلی

تشریف [illegible] فرموده عالم را [illegible] به هدایت [illegible] تاریخ

[illegible] شهر رجب المرجب ۷۳۶ هجری به رحمت حق پیوست

حبیب الله تاریخ یافت و فقیر چونکه تربیت باطنی از ارواح مقدس

ایشان است که تفصیلش در تحریر نمی آید ذکر حضرت قدوة العارفین

زبدة السالکین حضرت خواجه رحمت الله نایب رسول الله

صلی الله علیه وسلم قدس سره والد بزرگوار ایشان خواجه عالم

از ولایت توران بدکن آمد و ولادت حضرت خواجه در دکن [بست]

آثار صلاح از اول خلقت داشت و از مشایخ دکن نیز

تربیت یافته بحرمین شریفین شتافت و در آنجا در صحبت

سید اشرف مکی قدس الله سره در طریقه علیه نقشبندیه وغیره

بهره کلی یافته مراجعت دکن نمود و متصل قصبه اناسمندر رحمت [آباد]

اباد فرموده عمارت مسجد و مکانها در بازار را تربیت نموده واصل

حق ساخته شب جمعه مرتبت نهم ربیع الثانی سنه یکهزار و یکصد

ونود

۱۱۹۰

و نود هجرا در عمر نود سال به عالم لقا انتقال کرده و مسجد و بنا طالب سرن

بنیاد کرده او در رحمت اباد محل برکات الحسنی کتب جمع کرد

و هو یوسف تراب الاقدام السالکین و خادم نعال فقراء العصیان

والمحدثین محمد رفیع الدین ابن محمد شمس الدین ابن محمد تاج الدین

نقشبندی القادری عفی الله عنهم احمعین تولد این فقیر در قصبه

در حویلی متصل مسجد روز جمعه بعد نماز صبح نور دم ماه جمادی

سنه یکهزار و یکصد و شصت و چهار هجری حق تعالی والد بزرگوار

این که مرد صالح بود و در مسجد متولی او خدمت حضرت مخدوم حاجی

سرور چون پسر چند بار به میت فرزند متعلق بود که مخدوم

موالسوف در عالم رویا یک صحبت طعام عنایت فرمود

تو را فرزند خواهد شد اما نام من باید در گفت چنانچه بعد ایام

حمل والده ماجده فقیر که صالحه و عابده و در طریق علیه قادریه

منسوب بوده است و بعد از نماز در تلاوت قران بود این فقیر

چون متولد گشت بموجب حکم نام این فقیر غلام آقا نهاده اند

معروف محمد رفیع الدین است بعد از قدری شعور از اقارب

و اجانب خبر گرفته عمر در عمر چهار ده ساله تا شرح ملا جامی

را نزد حضرت مخدوم در عالم رویا کتابی با این فقیر عنایت

فرمود مشغول بذکر یاد داشت مشغول مجوید خانجه در ایام خوردی

نسبت این فقیر جاریست و اصل طریقه فقیر او نسبت که از او جانب

ایشان مستفید گشته اگرچه تغیر نام آن نسبت موقوف بر صحبت

فرزندی و شیخی و مرشدی خواجه رحمت الله نایب رسول الله صلی الله علیه

وسلم

بزبان پنجابی ذکر کرده اند اهو محض تون اهو محض تون واهیچی

تون وهابنق دل نواز حضرت سید محمود گیسو دراز قدس سره بفارسی

ذاکر محضر است منی نیم والله یاران منی نیم جان بجانم سر بسرم تن تنم

انتهی پس ازینجا معلوم شد که هر کس را از ذکری که لذت و محبوبیت حاصل گشت

باذن ترغیب داد و ترتیب بهار و مقصود همه یک است که ازرا حضور بلا غیبت

تون خوانند و همچنان کسی که در ابصار او محمود گ و شغل اقسام و شغل آینه

و شغل سایر نیز تخفیف و شغل تنها و صورت کس علم فکر می نماید و مطلب نیز

نیز همین است شعر عباراتهم شتی و حسنک واحد لا لکن سو ذیک

انتهی با بحمد الله شیخ ذکری برای مبتدی نا بعد از نفی و اثبات نیست جز آنکه

در قطع تعلقات و دفع خطرات نفی می کند و نفی انتقشت

و الکشف بلا انفعام معبود نیست و مقصودی نیست و موجودی نیست بحث

حالات از مرشد دریافت نماید اول از دل لفظ لا را بکشد تا کتف

راست ضرب نماید و ضرب الا الله از راه روح بر دل ضرب کند

بعده لفظ لا بعده لفظ اله از دل کشیده تا کتف راست رساند

و ضرب الا الله بر دل ریزد بعده بهمین نسق الله هو بگوید بعده بهمین نسق

هو هو بقدر طاقت نماید و نفس آخر نیز لب لب و این را استغا

قسم تا به مرید گوید بعده در خلوت تنگ و تاریک بمحلی مربع نشیند

و دست راست دارد مع مخصص الغیبی هر دو دست بر زانو نهد

و از ابهام پای راست و انگشت متصل آن رگ کیماس چپ بگیرد

و جگر و پا سوگ از ذکر باشد هیچ رعایت این بیت بیاب

برزخ ذات صفات محدود شد تحت و فوق منها بر عالم بقا نمودا

کل نفس ذوق و شوق بعده ذکر قلقلی و این نفی اسم الکلمات ا

متصلاً بحبس یا بغیر حبس دهن و چشم بسته دارد تا حرارت پیدا شود

و تمام بدن را اثر کرد و محویت او دهد و در مشغول است کبریتی

حبس نفس است و در بکر حصر نفس و حبس بر دو قسم است به تخیلی و عملی

تخیلی آنکه نفس را از جانب باطن و جلب بکرده بجانب ظاهر و

حبس دم در صدور و عملی آنکه دم بباطن و حبس آن در بطن

و حصر نفس عبارت است و از قطع نفس از هر دو طرف یعنی بیرون از

و حبس بود بکشد انتهی کلامه بعده بجلسه جانبه لا اله از طرف چپ

بکشد و الا الله بقوت بر دل ضرب بزند و این ذکر از ایام اخص

خواجه منقول است بعد از ذکر خواجه در مرکوز بعده ذکر هیچ التجا است

که قطعاً معنو حبس عرش ساکن شده است فخفی و قعود گاه است تحتی

و حبس است امام محمد محقق انس خانه بگو نمود و باید بر خواجه اسکنه

بگرداند و بگوید ای جامع الجهات فیک فاینما تولوا فثم وجه الله بعده ذکر

ظلمیت است که مربع نشسته تعظیم ک الکل بس و الذکر الکل

بسوی یمین و بامل الکل بسوی السمان ضرب کند بعده ذکر معیت

است و با معی با معی یا هو یا هو بجلسه نماز برد و قدم زیر پا دو سرین

نهد و بدست راست بازوی چپ بدست چپ بازوی راست

قبوت بگیرد و این کلمات بصداد الگا میان قدم و زانوی راست

و ثانیا میان دو زانو و ثالثا میان قدم و زانوی چپ و رابعا

بر جگر و خامسا بر دل قبوت در حضور ضرب کند بعده ذکر احاطه

است که تصور با محیط ظاهر را با محیط باطن قبض و بسط عینی

نماید بعده ذکر تجلی آیا نمیت است که بجانب آسمان آیی

انا الله

ز الا الله و دیگر طرف راست لا اله صعود الا الله ضرب کند بعد از آن چپ اگر

صعود یا و انبیاء بر نماید خود بخود بشمار مشاهده خواهد کرد بعوده ذکر [illegible]

الا الله اسم است که اگر شتاب می رود در هر گامی لا اله الا الله و اگر

بسیار می آید الله و اگر آهسته رود یعنی آهسته است وقت نهادن پای راست

لا اله پای چپ الا الله باز در وقت وضع پای راست الا الله و پای چپ

الله گوید و بعضی از کارها حیات بسیار آید لاکن دوام آنها موقوف

بر محبت حق تعالی سبحانه است و من احب شیئا اکثر ذکره

و حیلت آنست که یعنی و [illegible] داخل ذکر جمع اسم بسیار آید

اما آنکه کم خورد است اول باب انفاس است بطور معهود درین قوم

بعد از آن شروع قلب مجازی صنوبری الشکل را که در [illegible]

خوره داری باسم ذات کرد اند بعد از جریان و حصول لذت

محوبیت از دل حقیقی که قوت دراکه انسانی والطیفه ربانی است

به تصور ذات به بیکیفی محض بملاحظه جهات و حیثیات نماید

و دران خیال انهماک و استغراق بهم رساند که ذاتی وملکه

گردد و دل حقیقی فانی در ذات شود یعنی هرگاه که دل

خیال کند ذات مطلق از همه قیود منزه و این چو وقوف

بر علم خود بر دیگر است و از نیست و هرگاه که این نسبت

خوب راسخ گشت این را در اصطلاح قوم یادداشت

می‌فرمایند و طریق تحصیل این بعد از ذکر قلب مجازی

یعنی قلب حقیقی در از اسم بسوی مسمی انتقال می‌نماید

و این امر مفوض برای مرشد است و باتفاق جمع ارباب طرق

منتهی انبیا سلوک اجازت اگر برین نسبت است اگرچه علمای بعض بر حضور

در حضور میگویند اما اینهم فضیلت این مقام است لیکن هم پیدا

و برای حستان نماز لیست مسمی صلواة کن فیکون که برای حصول حاجات

و مشکلات مجرب است فرموده اند که دو رکعت نماز بگذارد در شب

چهار شنبه و پنجشنبه و جمعه در هر رکعت بعد فاتحه اخلاص صد بار بخوانند

و بعد از سلام صد بار بگو برای آسان کننده دشوارها الهی

آسانی کننده تا ربها و استغفار صد مرتبه و درود صد بار بعد از آن

هر چه مطلب خود باشد از حق تعالی بخواهد مستجاب شود بفضل الله تعالی

و گشتن نیوم سر برهنه شود و آستین خود در گردن اندازد چشم گریه نماید

از حق تعالی مطلب خود بالحاح بخواهد شد البته حتی ... شود و برای

حستان نماز تسبیح که امرا ... مرکز ... است و قول

... تا ... بکنند ... مستغرق ... خانه ...

الله محدث دهلوی از قول جمله تصریح بیان کرده است والله اعلم

بسم الله الرحمن الرحیم



طریق خواندن ختم خواجگان چشت اهل بهشت قدس الله اسرارهم

اگر هر روز نخواند هر هفته است و گرنه در هر ماه بتاریخ نهم درهم بعمل آرد

بعد دوگانه نفل فاتحه بنام خواجگان بزرگوار و عالیشان بخواند

واسماء بزرگوار این است خواجه ابو اسحاق شامی

خواجه ابو ناصر یوسف خواجه احمد و خواجه ابو محمد

و خواجه مودود چشتی خواجه حاجی شریف زندانی

خواجه عثمان هارونی و خواجه معین الدین چشتی قدس الله اسرارهم

اول درود سه بار و لا ملجاء و لا منجاء من الله الا الیه صد

و [illegible]

و صد بار درود و نه بار فاتحه خوانند و بعد از آن مراد و مطلب خود طلبند

اگر بعد از نماز صبح یا وهاب هفتاد بار بخوانند در امور دنیا

محتاج بغیر حق نخواهند شد طریقهٔ ختم حضرت خواجه معین الدین چشتی

قدس الله سره العزیز بتاریخ ششم هر ماه یک بار بعمل آرد اول دوگانه

بگذارد در هر رکعت بعد فاتحه آیة الکرسی تا عظیم یکبار و بعده یگانه تر

سه بار و سوره اخلاص شش بار بخوانند و ثواب آن نیاز روح خواجه کنند

و بعده سوره فاتحه درود یک هزار و یکصد بار و الم نشرح هفتاد بار

و سوره اخلاص یک هزار و یکصد بار و کلمه تمجید با تسمیه هفت بار درود یک هزار

و یکصد بار خوانده ثواب آن ختم شریف بروح خواجه بدهد

بعده فاتحه بدستور خواجهای چشت یک هزار درود و فاتحه سه ۳ بار

الم تا مفلحون یکبار و آیة الکرسی تا خالدون و یگانه تر سه بار

اخلاص شنفتی بار معوذتین سه سه بار درود سه بار خوانده قدری

شیرینی هم حاضر کنند وبین ختم بر مطلب که باشد تاثیر عظیم دارد در طریق

از بعضیات و در انجمله مشایخ که از ابرزخ میگویند و مستمداد بلد

به تفصیل مذکور کنند دریافته باید و مقصود همان است که هر قوم شد غیر حق

دنی هم ثمرات عشق و محبت آید و دیگر نه بتکلیف و مجاهده و اثبات

و قرار محال است زیرا که بزرگان فرموده آید که اول گسستن و بعد پیوستن

است و آخر نه گسستن و نه پیوستن است به پایان آمد این دفتر چهار رساله

همچنانکه باقی ابجد دفتر نمی گنجد منکالت حالی مشتاقی نه حضرت احرار

دارند ده مسند برا سخن بابان اجمیر دسته مستقیم و در پاهمیان

باقی و دیگر قسم اغی طریق اخواز سینوابی سالکان طریقه الله خواجه

حاجی رحمت الله نایب رسول الله صلی الله علیه واله واصحبه وسلم

وازین ثانی از سید علی بودم اصر کس کرده واثبانی از سید عبدالله دوم

وازنثانی

و ایشان از السید عبد الله با الفقیه و ایشان از شیخ احمد قشاشی

و ایشان از شیخ شاه صبغة الله و ایشان از شیخ وجیه الدین علوی

و ایشان از شیخ محمد غوث و ایشان از شیخ ظهور حمید

حاجی حضور و ایشان از شیخ ابو الفتح هدایت الله سرمست

و ایشان از شیخ قاضن عطود و ایشان از شیخ میران ابرو

ایشان از شیخ محمد بن عیسی جیون پور و ایشان از شیخ فتح الله

و ایشان از شیخ صدر الدین و ایشان از شیخ نصیر الدین محمود چراغ

دهلی و ایشان از شیخ نظام الدین اولیاء و ایشان از

شیخ شکر گنج و ایشان از شیخ مسعود حسام الدین [illegible] و ایشان

از شیخ قطب الدین بختیار کاکی و ایشان از شیخ

معین الدین حسن چشتی سنجری و ایشان از شیخ عثمان هارونی

و ایشان از شیخ حاجی شریف زندنی و ایشان از شیخ مودود چشتی و

و ایشان از شیخ خواجه یوسف چشتی و ایشان از ابی احمد چشتی

و ایشان از شیخ ابی اسحاق شامی و ایشان از شیخ ممشاد علو

دینوری و ایشان از شیخ ابی اسحاق هبیره بصری و ایشان از

شیخ حذیفه مرعشی و ایشان از شیخ سلطان ابراهیم ادهم و ایشان

از شیخ فضیل ابن عیاض و ایشان از شیخ عبدالواحد بن زید

و ایشان از شیخ حسن بصری و ایشان از سیدنا امیرالمومنین

علی ابن ابی طالب رضی الله تعالی عنه و ایشان از محمد رسول الله

صلی الله علیه و سلم و ایشان از جبرئیل امین علیه السلام و ایشان

از رب العالمین جل جلاله و عم نواله الحمد لله و المنه حرره غیاث

مولف این تالیف این رساله متبرکه در اول پاس روز جمعه

بیستم شهر ربیع الاول سنه یکهزار و دو صد و ... هجری ختم گشت

در قصبه

۱۷

در وقت [illegible] سید الله [illegible] عنی [illegible] [illegible] در [illegible]

حضرت محبوب سبحانی قطب ربانی سید عبد القادر جیلانی قدس

الله سره از فضل خدا الجلال که در بین سال [illegible] صورت نوشته شد اللهم

اختم لنا بالعافیة والسلامة واجعل عواقب امورنا خیرا من الاول

وصلی الله علی حبیبه وشفیعنا محمد سید الاولین والآخرین وعلی آله

الطاهرین الطیبین واصحابه المجاهدین [illegible] [illegible]

علیهم اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

تمت [illegible]

[illegible]

| | | |
|---|---|---|
| شغل [illegible] | [illegible] دا | [illegible] |
| [illegible] [illegible] | در [illegible] [illegible] | [illegible] [illegible] |
| [illegible] [illegible] شغل [illegible] | [illegible] [illegible] مشغول باشد | و [illegible] مشغول باشد |
| [illegible] [illegible] | | |

شغل اسم [illegible] | شغل سایه لطیف | شغل همتایان [illegible]

[illegible] صورت [illegible]

ونیست الا الله تواحد بل افناء

[illegible] عملی [illegible]

صورت سرمدی | ذکر اقربی | شغل سه پایه

[illegible]

معبود [illegible]

[illegible]

ذکر محو الثبات | [illegible]

[illegible]

ذکر معیت | ذکر ملکیت

۲۹۰۲۶۹۰ که یا [illegible]



[illegible]

ذکر احاطت